

خلاصه بحث

از اول زوال تا مقداری که بتوان یک نماز چهار رکعتی بجا آورد وقت اختصاصی نماز ظهر است، و به مقدار چهار رکعت قبل از غروب شرعی نیز وقت اختصاصی نماز عصر است، و بین این دو نیز وقت مشترک برای نماز ظهر و عصر است، منتهی در تمام این مدت باید نماز ظهر قبل از نماز عصر خوانده شود.

قبلاً بیان شد که اگر کسی خوف فوت نماز شب دارد می تواند نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند، اما نص و فتوا اتفاق دارند که اگر چنین کسی صبر کند و نماز شب را پس از وقت آن قضا نماید فضیلت بیشتری خواهد داشت.

وقت نماز ظهر و عصر

امام راحل فرموده اند:

«وقت الظهرین من الزوال الى المغرب، و يختص الظهر بأوله مقدار أدائها بحسب حاله، و العصر بآخره كذلك، و ما بينهما مشترك بينهما»^۱

برای هر کدام از نماز ظهر و عصر، یک وقت مختص داریم، و یک وقت هم به عنوان وقت مشترک برای هر دو است. وقت مختص ظهر از اول زوال تا مقدار چهار رکعت است که این، وقت مختص ظهر است. وقت مختص عصر نیز به اندازه چهار رکعت مانده به غروب شرعی است که آن هم وقت مختص عصر است.

در مورد وقت مختص عصر هیچ مخالفی بین اصحاب وجود ندارد، اما درباره وقت مختص ظهر، اختلافی وجود دارد. به این معنا که به برخی مانند شیخ صدوق و پدر ایشان نسبت داده شده که نماز ظهر وقت اختصاصی ندارد و از اول زوال، وقت مشترک بین ظهر و عصر آغاز می شود.

^۱ تحریر الوسیلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۲.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۵

صاحب حدائق فرموده است:

«لا خلاف بين الأصحاب في أن أول وقت الظهر زوال الشمس الذي هو عبارة عن ميلها وانحرافها عن دائرة نصف النهار و قد نقل الإجماع على ذلك في المعبر و المنتهى»^۲

بنابر این ایشان این مسأله را اجماعی دانسته است.

صاحب جواهر نیز فرموده است:

«لا خلاف في كون الزوال مبدأ صلاة الظهر بين المسلمين كما عن المرتضى و غيره الاعتراف به»^۳

ایشان هم مسأله را اتفاقی دانسته است.

شیخ انصاری نیز اصل مطلب را اتفاقی دانسته و محل اختلاف اصحاب را اینگونه بیان کرده است:

«وإنما الخلاف في أنه من حين الزوال يشترك الوقت بينها وبين العصر أو يختص الظهر من أول الزوال بمقدار أدائها؟ المشهور هو الثاني، و الأول محكي عن الصدوق و نسب إلى والده أيضا قدس سرهما، و المعتمد ما ذهب إليه المعظم»^۴

در وقت اختصاصی نماز عصر اختلافی نیست، ولی در مورد وقت اختصاصی نماز ظهر اختلاف شده و مشهور قائل به ثبوت وقت اختصاصی برای ظهر هستند ولی شیخ صدوق و پدر ایشان مخالف هستند.

صاحب جواهر فرموده است:

«انما البحث فيما ذكره المصنف ثانيا رفعا لما أوهمه أولا من اختصاص الظهر من أول الزوال بحيث لا يصح فيه العصر بحال من الأحوال كما هو المشهور نقلا و تحصيلا، بل في المختلف نسبته إلى علمائنا عدا الصدوق، بل عن المنتهى ذلك من غير استثناء، بل في السرائر انه قول المحصلين من أصحابنا الذين يلزمون الأدلة و المعاني لا العبارات و الألفاظ، بل ربما يتوهم من

^۲ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۲۰۹

^۳ جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۳۷۵

^۴ كتاب الصلاة، الشيخ مرتضى الأنصاري، ج ۱، ص ۴۳۵

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۵

موضع آخر فيها الإجماع، بل في ظاهر الغنية أو صريحها دعواه عليه، بل عن الشيخ نجيب الدين انه نقل الإجماع عليه جماعة، بل لا خلاف أجده فيه سوى ما يحكى عن ظاهر الصدوقين من الاشتراك^۵

تعبیر «من غير استثناء» یعنی علامه، صدوق را استثناء نکرده و فرموده که همه اصحاب قائل به وقت اختصاصی هستند.

به هر حال در مورد وقت اختصاصی نماز عصر اختلافی نیست، و در وقت اختصاصی نماز ظهر هم مشهور قائل به ثبوت وقت اختصاصی هستند. و عمده در مساله نصوص است.

نصوص در مساله سه طایفه هستند.

یک طایفه، وقت مشترک را به صورت مطلق ذکر کرده اند و قیدی نیاورده اند. به این صورت که گفته اند از بین زوال تا غروب فرصت برای اقامه نماز ظهر و عصر است و قید دیگری نیاورده اند.

طایفه دوم، همان مطلب طایفه قبل را دارند ولی قید آورده اند که باید نماز ظهر قبل از نماز عصر خوانده شود.

طبیعتاً باید طایفه اول را با این طایفه دوم قید بنزیم. بنابراین باید این ترتیب حفظ بشود و نماز ظهر قبل از نماز عصر خوانده شود.

حالا اگر کسی در همان اول زوال که اذان ظهر شد بخواند این ترتیب را رعایت کند و نماز ظهر را قبل از نماز عصر بخواند، معنایش این است که باید ظهر را بخواند و خواندن نماز عصر در چنین زمانی صحیح نیست. بنابراین از خود همین مطلب می توان وقت اختصاصی نماز ظهر را استفاده کرد.

اما علاوه بر این دو طایفه، طایفه سومی هم داریم که تصریح به وقت اختصاصی کرده اند.

طایفه اول

صحیح زراره

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۵

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ دَخَلَ الْوَقْتَانِ الظُّهْرُ وَالْعَصْرُ فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ الْوَقْتَانِ الْمَغْرِبُ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ».^۶

این روایت اطلاق دارد. یعنی وقت نماز ظهر و عصر با زوال آغاز می شود. طبق این اطلاق، می توان حتی در همان اول وقت نماز عصر را نیز خواند. اگر فقط این روایت را ملاک قرار دهیم، روشن است که جایز است نماز عصر را نیز بلافاصله در همان آغاز وقت خواند.

صحیحہ منصور بن یونس

وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ».^۷

این عبارت نیز به وضوح نشان می دهد که با زوال، وقت هر دو نماز وارد می شود.

صحیحہ علی بن رثاب

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ فِي قُزْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ قَالَ: «سَمِعْتُ عُبيدَ بْنَ زُرَّارَةَ يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَكُونُ أَصْحَابُنَا مُجْتَمِعِينَ فِي مَنْزِلِ الرَّجُلِ مَنَّا فَيَقُومُ بَعْضُنَا يُصَلِّي الظُّهْرَ وَ بَعْضُنَا يُصَلِّي الْعَصْرَ وَ ذَلِكَ كُلُّهُ فِي وَقْتِ الظُّهْرِ قَالَ لَا بَأْسَ الْأَمْرُ وَاسِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ نِعْمَتِهِ».^۸

این صحیحہ هم بیان می کند که در همان اول وقت نماز ظهر، برخی از اصحاب مشغول نماز ظهر و برخی مشغول نماز عصر هستند و حضرت این کار را تایید فرموده اند.

چند روایت دیگر هم در این طایفه اول هستند که همین مضمون را دارند و دلالت می کنند که با زوال شمس، وقت نماز ظهر و عصر آغاز می شود و بر اساس اطلاق این نصوص می توان نماز عصر را قبل از نماز ظهر خواند.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۹۱، أبواب المواقیت، باب ۴، ح ۱، ط الإسلامية. ۶

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۹۳، أبواب المواقیت، باب ۴، ح ۱۰، ط الإسلامية. ۷

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۹۵، أبواب المواقیت، باب ۴، ح ۱۹، ط الإسلامية. ۸

طایفه دوم

در این طایفه، تصریح به تقدم نماز ظهر بر عصر شده است، به گونه‌ای که رعایت قبلیت و بعدیت میان این دو نماز مورد تأکید قرار گرفته است.

صحیحہ عبید بن زرارہ

وِإِشْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ وَ الْعَبَّاسِ بْنِ الْمَعْرُوفِ جَمِيعاً عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ عُزُوءَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ فَقَالَ إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ جَمِيعاً إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ ثُمَّ أَنْتَ فِي وَقْتٍ مِنْهُمَا جَمِيعاً حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ».^۹

مراد از «ثم» در عبارت «ثم أنت في وقت»، رتبی است نه زمانی، یعنی بعد از رعایت قبلیت ظهر و بعدیت عصر، تا غروب هم می‌توانی این نمازها را بخوانی.

البته به اتفاق نص و فتوا اگر به مقدار چهار رکعت تا غروب شرعی باقی مانده است در این صورت دیگر نباید ظهر خوانده شود و باید عصر خوانده شود و پس از آن، قضای نماز ظهر را انجام بدهد.

صحیحہ دوم عبید بن زرارہ

وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُزُوءَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ».^{۱۰}

این صحیحہ هم صراحت دارد که باید نماز ظهر قبل از نماز عصر خوانده شود.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۹۲، أبواب المواقیت، باب ۴، ح ۵، ط الإسلامیة. ۹

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۹۵، أبواب المواقیت، باب ۴، ح ۲۱، ط الإسلامیة. ۱۰

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۵

نتیجه جمع میان این دو طایفه این می شود که وقت مشترک از اول زوال تا غروب وجود دارد، اما این اشتراک مشروط به رعایت قبلیت و بعدیت نماز ظهر و عصر است. به این معنا که اگر کسی بخواهد در همان ابتدای وقت نماز بخواند، باید ابتدا نماز ظهر را اقامه کند و پس از آن نماز عصر را بخواند. بنابراین مقتضای جمع بین این دو طایفه، ثبوت وقت اختصاصی است.

سؤال: آیا مراد از صحیحہ علی بن رثاب این است که می توان نماز عصر را قبل از نماز ظهر خواند؟ چون ظاهر کلام راوی این است و حضرت هم تایید فرموده اند و امر را واسع دانسته اند.

جواب: خیر. راوی آنچه را که دیده است نقل کرده است، و ممکن است قضیه به این شکل بوده که برخی از اصحاب در همان اول، بدون اینکه نافله بخوانند ابتدا نماز ظهر را خوانده اند و بعد هم با سرعت نماز عصر را آغاز کرده اند، اما دیگران ابتدا نوافل را خوانده اند و بعد مشغول نماز ظهر شده اند.

اینکه حضرت، امر را واسع دانسته اند به این معناست که نیاز نیست انسان بعد از اقامه نماز ظهر صبر کند تا وقت فضیلت نماز عصر بشود، بلکه در همان ابتدای وقت می تواند بعد از نماز ظهر، نماز عصر را هم بخواند.

در بحث های آینده خواهیم گفت که به نظر ما افضل این است که نماز ظهر و عصر در همان اول وقت اقامه شوند و صبر کردن برای رسیدن وقت فضیلت نماز عصر نیاز نیست.

به هر حال جمع بین این دو طایفه به روشنی دلالت بر ثبوت وقت اختصاصی دارد. اما علاوه بر این، نص خاص هم در مساله داریم که همان طایفه سوم است.

طایفه سوم

مرسل داود بن فرقد

وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ وَ هُوَ دَاوُدُ بْنُ فَرْقَدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۵

الظُّهْرُ حَتَّى يَمْضِيَ مِقْدَارُ مَا يُصَلِّي الْمُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَإِذَا مَضَى ذَلِكَ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ حَتَّى يَبْقَى مِنَ الشَّمْسِ مِقْدَارُ مَا يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَإِذَا بَقِيَ مِقْدَارُ ذَلِكَ فَقَدْ خَرَجَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَبَقِيَ وَقْتُ الْعَصْرِ حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ».^{۱۱}

صحیحہ اسماعیل بن ہمام

وَإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «فِي الرَّجُلِ يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ حَتَّى يَدْخُلَ وَقْتُ الْعَصْرِ إِنَّهُ يَبْدَأُ بِالْعَصْرِ ثُمَّ يُصَلِّي الظُّهْرَ».^{۱۲}

مراد از «وقت العصر»، زمان اختصاصی نماز عصر است، یعنی اگر چهار رکعت به غروب باقی مانده است، در چنین حالتی نماز ظهر قضا شده و باید نماز عصر را بخواند و نماز ظهرش را قضا نماید. بنابراین باید «ثم يصلي الظهر» را حمل بر قضا کنیم تا با آن ترتیبی که قبلاً گفتیم منافاتی پیدا نکند.

خوف فوت نماز شب

شخصی که خوف فوت نماز شب را دارد، برای جبران این نماز، دو راه پیش روی او قرار داده شده است، یکی اینکه نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند، که این را قبلاً بیان کردیم و به طور مفصل توضیح دادیم، و راه دیگر این است که صبر کند و پس از گذشت زمان نماز شب، آنرا قضا نماید.

در نصوص و فتاوا آمده است که هر دو راه جایز است ولی راه دوم افضل است، یعنی کسی که خوف فوت نماز شب را دارد و می تواند نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند، چنین کسی اگر صبر کند و قضای نماز شب را پس از وقت بخواند افضل است.

صاحب جواهر فرموده است:

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۹۲، أبواب المواقيت، باب ۴، ح ۷، ط الإسلامية. ۱۱

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۹۴، أبواب المواقيت، باب ۴، ح ۱۷، ط الإسلامية. ۱۲

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۵

«قضاؤها في النهار أفضل من التقديم المزبور اتفاقا في كشف اللثام و الرياض كما صرح بهما معا»^{۱۳}

نصوصی نیز بر این مطلب دلالت دارد.

صحیحه معاویه بن وهب

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِكَ مِنْ صَلَحَائِهِمْ شَكَا إِلَيَّ مَا يَلْقَى مِنَ النَّوْمِ وَ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ الْقِيَامَ بِاللَّيْلِ فَيَغْلِبُنِي النَّوْمُ حَتَّى أَصْبِحَ فَرُبَّمَا قَضَيْتُ صَلَاتِي الشَّهْرِ الْمُتَتَابِعِ وَ الشَّهْرَيْنِ أَصْبِرُ عَلَى ثِقَلِهِ فَقَالَ قُرَّةُ عَيْنٍ وَ اللَّهُ قُرَّةُ عَيْنٍ وَ اللَّهُ وَ لَمْ يَرَحُصْ فِي التَّوَافِلِ أَوَّلَ اللَّيْلِ وَ قَالَ الْقَضَاءُ بِالنَّهَارِ أَفْضَلُ»^{۱۴}

حضرت در این روایت، قضای نافله شب را افضل از بجا آوردن آن در اول شب و قبل از نیمه شب دانسته اند.

تعبیر «قره عین» هم تایید این عمل است، یعنی قضا کردن نماز شب، کار بسیار خوب و پسندیده ای است و مورد رضایت امام معصوم علیه السلام است.

البته به خاطر عذری که داشت می توانست نماز شب را مقدم کند، اما حضرت قضای نماز شب را افضل دانسته اند.

صحیحه عمر بن حنظله

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ «أَنَّه قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي مَكُنْتُ ثَمَانِي عَشْرَةَ لَيْلَةً أَنْوِي الْقِيَامَ فَلَا أَقُومُ أَ فَأَصْلِي أَوَّلَ اللَّيْلِ قَالَ لَا أَقْضِ بِالنَّهَارِ فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ تَتَّخِذَ ذَلِكَ حُلُقًا»^{۱۵}

در این روایت، شخص می گوید که عزم نماز شب داشته ولی در مدت هجده شب نتوانسته است نماز شب را بخواند، با این حال آیا می تواند نماز شب را قبل از نیمه شب بخواند؟ حضرت می فرمایند که قضای نماز شب بهتر از این است که آنرا مقدم کند.

جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۷، ص ۱۳۰۷

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۱۸۵، أبواب المواقی، باب ۴۵، ح ۱، ط الإسلامیة. ۱۴

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۱۸۵، أبواب المواقی، باب ۴۵، ح ۳، ط الإسلامیة. ۱۵

صحیحہ محمد بن مسلم

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: «فُلْتُ الرَّجُلُ مِنْ أَمْرِهِ الْقِيَامُ بِاللَّيْلِ تَمْضِي عَلَيْهِ اللَّيْلَةُ وَاللَّيْلَتَانِ وَالثَّلَاثُ لَا يَقُومُ فَيَقْضِي أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ يَعَجِّلُ الْوَتَرَ أَوَّلَ اللَّيْلِ قَالَ لَا بَلْ يَقْضِي وَإِنْ كَانَ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً».^{۱۶}

حضرت می فرمایند که حتی اگر سی شب هم اتفاق بیفتد که فرد نتواند نماز شب را بخواند باز هم قضا کردن نماز شب بهتر از این است که نماز را در اول شب بخواند.

بنابراین با اینکه تقدیم نماز شب بر نیمه شب در صورت وجود عذر جایز است، منتهی در همین جا هم قضای نماز شب افضل از تقدیم است.

^{۱۶} وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۸۶، أبواب المواقی، باب ۴۵، ح ۵، ط الإسلامیة.